ان‌شاءالله تلویزیون هم پای کار می‌آید

جشنواره فجر، کنسرت و شبکه نمایش خانگی علیه تحریم

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

در کنار تمام مشکلات و مسائلی که این روزها داریم، یک گرفتاری دیگرمان این است که ثابت کنیم میل به زندگی عادی و معمولی جرم نیست. شاید چنین وضعیتی در جاهای دیگر دنیا، حتی همین کشور خودمان کمتر تجربه شده باشد که اکثریت جامعه با استیداد اقلیتی که عمدتا خارج‌نشین هستند، از سبک زندگی دل‌خواهشان محروم شده باشند. عجیب است که ماجرا به اینجا کشید. اتفاقاتی که پس از فوت مهسا امینی رخ داد، ابتدا در اعتراض به به‌دستوری شدن سبک زندگی به راه افتاد و البته دلخوری‌های معیشتی و چیزهایی از این دست هم به معترضان انگیزه مضاعف می‌داد اما ناگهان فشار عجیبی از خارج کشور سرازیر شد و به این فضا یک استمرار مصنوعی تزریق کرد. از اینجا به بعد کسانی به مساله اضافه شدند که دغدغه‌هایشان با معترضان فرق می‌کرد. آنها یک سبک زندگی دستوری و تحمیلی دیگر را راه انداختند که نه با ابزار ون و مامور سر چهارراه که ممکن است سر راه همه نباشد، بلکه با ابزار جوسازی رسانه‌ای پیاده و اعمال می‌شد. گردانندگان چنین جوی به دو گروه عمده تعلق داشتند؛ گروه اول خارج‌نشین بودند که به‌دلیل دوری از ایران، نه سبک زندگی حاکمیت به آنان تحمیل می‌شد و نه مسائل اقتصادی و اجتماعی ایران درگیرشان کرده بود و گروه دوم عده‌ای بودند از جماعت مشاهیر و اصطلاحا سلبریتی‌ها که آنها هم فارغ از مشکلات معیشتی و حتی موانع دست‌وپاگیر برای سبک زندگی بودند. آن خارج‌نشین‌ها شامل بخشی از مهاجران می‌شدند که به‌دلایل مختلف، با نیت اصلی جامعه ایران تعارض ماهوی پیدا کرده و سلبریتی‌ها هم خصوصا بعد از دی‌ماه ۹۶، هر روز جایگاه اجتماعی‌شان را بین مردم بیشتر از دست داده بودند. حالا این دو جماعت به‌عنوان بازتکانی انتقام‌جو، بی‌اینکه مشکل سبک زندگی تحمیلی بقه‌شان را گرفته باشد یا دغدغه معیشتی داشته باشند، هم‌کاسه شدند و در اعتراضاتی که متن و مضمون اصلی‌اش به آنها ربطی نداشت، صاحب عزا شدند. دایه‌های مهربان‌تر از مادر، از آن سوی آب‌ها پرواز‌های را آغاز کردند که یک جنگ روانی مزمن بود. همه تلاش‌شان در این خلاصه می‌شد که اعتراضات و اغتشاشات ایجاد بخوابد. نباید این جمله را کسی باور کند که «تمام شد»، به‌عبارتی کلید واژه اصلی تداوم بود. برای همین مثلا ترانه علیه‌دوستی چندماه بعد از شروع این جریان و درست وقتی مدتی می‌شد که خبر خاصی نبود، تازه به میدان آمد و کشف حجاب کرد. در ادامه هم دیده شد که پیوستن افراد مشهور به اعتراض و آشوب، به‌شکل نوبتی رونمایی می‌شود؛ به‌طوری که تا سرودها خوانید، یک برگ جدید رو شود. پیاده‌نظام میدانی این جریان هم وقتی مردم عادی و معترض کم‌کم از حضور در خیابان خسته شدند، تبدیل شد به جماعتی از وحشی‌ترین اراذل. خفت گیرها و کیف‌قاپ‌ها و اوباشی که نیروی انتظامی در سال‌های اخیر نسبت به جمع‌آوری‌شان مرتب کم‌کارتر شده بود، حالا توهم سیاسی شدن زده بودند و همه آن خرابکاری‌ها و توحشی که فرد به فرد، به صورت گاه‌وبیگاه در گوشه‌وکنار شهر انجام می‌دادند را این‌بار در قالب گروهی و وسط میدان‌های شهر، در مقیاسی چند برابر انجام دادند و غیر از صدمه به مردم، برای خود نیروی انتظامی هم درد‌سرهای چند برابر درست شد. همین آشوب تصنعی هم کم‌کم از نفس افتاد و فقط جنگ روانی باقی ماند. این جنگ روانی اما جنبه دیگری هم داشت. خواسته‌ها و مطالبات چنین اعتراضی با لیدری این جریان خارج‌نشین رفته‌رفته از حالت معقول درآمد. کسی که با سینه پر از کینه در آن سوی آب نشسته یا آن سلبریتی محبوبیت باخته‌ای که چه فضای اجتماعی ایران باز باشد و چه بسته، دیگر محبوب مردم نخواهد شد، می‌خواهد همه چیز ویران شود و حتی اگر مردم چیزی پیدا کنند که دل‌شان خوش شود، همین حال او را ناخوش می‌کند. پس فضا نباید به حالت نرمال برمی‌گشت و زندگی نباید عادی می‌شد. رفتار این جماعت عجیب کاری کرد که هر عقل سلیمی نتیجه‌گیری کند خوشبختی مردم ایران، مایه غم و اندوه آنهاست. اگر حکومت ایران بتواند اوضاع عمومی کشور را چه از لحاظ فرهنگی و اجتماعی و چه اقتصادی سروسامان بدهد، اینها برعکس ناراحت می‌شوند. اینها می‌خواهند همه‌چیز خراب و خشمگین کننده باشد تا مردم آرام نگیرند و این جو سنگین باقی بماند.

آنها نشان دادند که اگر تیم ملی ایران در یک مسابقه فوتبال برنده شود و قدری شادی به دل‌های مردم بیفتد، عصبانی می‌شوند. مساله آنها نه عدالت است، نه آزادی؛ جامعه ایران به سبک زندگی تحمیلی اعتراض کرد اما از جایی به بعد با عده‌ای اتفاقا موجی کور طرف شد که حقد و کینه‌های فردی و اختلالات روحی و روانی‌شان را به بهانه اعتراضات عمومی می‌ریخت، یک گروه بر سر جامعه می‌کوبیدند و می‌گفتند دارند بر سر حکومت می‌کوبند. دیگر گفتمان اعتراضی و انتقادی (اگر از اینجا به بعد بشود نامش اعتراضی و انتقادی گذاشت)، مساله‌محور نبود، حکومت‌محور بود، یعنی علنا مشخص شد اینها ایران ویران‌شده را به‌دون جمهوری اسلامی بیشتر می‌پسندند تا ایرانی که در آن هم جمهوری اسلامی مستقر باشد و هم مسائل و مشکلات مردم حل شده باشند.

آنها مسائل و مشکلات مردم دغدغه‌شان نبود، نبودن حکومت دغدغه‌شان بود. دیکتاتوری روحی و روانی و رسانه‌ای از اینجا به‌بعد آغاز شد؛ هرکس خوشحال باشد یا به هر نحو به زندگی عادی بپردازد، زیر ضرب تندترین حمله‌ها خواهد رفت. هرکس فیلم بسازد، آلبوم موسیقی منتشر کند، بعد از گل زدن در فوتبال شاد شود یا هر چیز دیگری از زندگی عادی را نشان بدهد، سنگسار رسانه‌ای می‌شود.

اگر این جماعت الفبای قواعد اجتماعی را بلد بودند، زودتر از اینکه حکومت و ملت ایران را به زحمت بیندازند، می‌فهمیدند که مثل حضور خیابانی معترضان، تداوم این جو روانی هم تا ابد ممکن نیست و از نفس می‌افتد. این انتقامجویان با اینکه به شکل مضحکی سعی در تقلید از روش‌های مبارزاتی انقلاب اسلامی علیه خود آن دارند، اما مشخص است نه تاریخ خوانده‌اند، نه از یک سواد جامعه‌شناختی حداقلی برخوردارند. با توهم‌فروشی می‌خواهند شعله یک خشم را روشن نگه دارند، درحالی که با مفهوم ظرفیت اجتماعی بیگانه‌اند. وقتی وارد یک اتاق سرد می‌شوید، روشن شدن یک شعله اتفاق مطبوعی است. به‌مرور ممکن است دمای اتاق زیادی گرم شود و باید شعله را کم کرد یا باید خاموش شود. اینها اما می‌خواهند آن را همچنان روشن نگه دارند. به‌علاوه، دغدغه‌ها و مسائل این جماعت با عموم مردم ایران یکی نیست. از سلبریتی‌های داخلی که نه آن سوی آب رفتند و کمپین وکالت داده نه شازده پهلوی را راه انداختند تا مهاجران و پناهندگان و فراری‌های نیمه‌ایرانی، از دوست‌دختر سابق تام کروز بگیرید تا مجاهدین رجوی‌ها، از ومخفی خلق و فاندگیرهای لابی جمهوری‌خواهان در آمریکا، تا به‌حال کدام‌شان یک کلام درباره بحران نرخ اجاره‌ها در ایران حرف زده‌اند؟ کدام‌شان درباره عدالت آموزشی چیزی گفتند؟ کی از آنها شنیده شده که مثلا راجع‌به فساد در بعضی بخش‌های اتاق بازرگانی دغدغه داشته باشند؟ مسائل آنها هیچ ربطی به مسائل توده مردم ایران ندارد. این جو زورگویانه‌ای هم که به‌وجود آورده‌اند و می‌گوید کسی حق شادی و زندگی عادی ندارد، دوام چندانی نخواهد یافت. مردم حتی اگر معترضند، سبب اعتراض‌شان این است که چرا نمی‌توانند همان زندگی شاد و کم‌دغدغه بودن و رفع اضطراب در جامعه ایجاد شود، امیدهایشان برای عقده‌گشایی را بر باد رفته می‌بینند. این جو مستبدانه که اجازه زندگی نرمال را به کسی نمی‌دهد، در اواخر تابستان آغاز شد و فضای فعالیت‌های هنری را منجمد کرد. حالا اما در دامنه‌های زمستان هستیم که کم‌کم برف‌ها دارند آب می‌شوند. به مرور می‌بینیم که اعتراض‌ها به شکل معقول‌تری بروز پیدا می‌کند. بازنشستگان یا اهالی صنوف مختلف تجمع کردند و اعتراض‌شان را گفتند و جنس اعتراض به همان ریلی برگشت که با مساله واقعی جامعه مرتبط باشد. در کنار این اعتراضات واقعی و غیرتصنعی و جهت‌دار، زندگی عادی هم جریان پیدا کرد. اول جشنواره فیلم کوتاه تهران و بعد فستیوال سینما حقیقت برگزار شدند. بعد در اختتامیه جشنواره ادبی جلال، جمعیت بی‌سابقه‌ای آمد. جلوتر که رفت، سریال‌های شبکه نمایش خانگی منتشر شدند، کنسرت‌ها کم‌کم شروع به برگزاری کردند و جشنواره تئاتر فجر برگزار شد و باقی اتفاقات هم در راهند. دغدغه‌های مردم همچنان پابرجا هستند ولی ربطی به اغتشاش و عقده‌گشایی که خودش را جنبش و بعدا در مقطعی انقلاب می‌نامید، ندارند. زمان جنگ هم روشن بودن چراغ سینما معنای تداوم زندگی را می‌داد. همان زمان هم کسانی بودند که از داخل کشور جلوی پای سینما سنگ می‌انداختند و می‌خواستند نگذارند چیزی که تداوم عادی می‌شود، آن، دهن کجی به صدام و ارتش بعث بود، تداوم داشته باشد. حالا هم غیر از آن عقده‌گشایانی که از خارج کشور می‌خواهد زندگی عادی را بر مردم داخل حرام کنند، عده‌ای دیگر در داخل کشور هستند که سنگ جلوی پای این روند می‌اندازند و وسط این غوغا، وقتی سریال‌های شبکه نمایش خانگی می‌آید، می‌خواهند نگذارند، وقتی کنسرت قرار است برگزار شود اجازه ندهند و از این قبیل رفتارها... یکی از این مزاحمان که خوشبختانه تا حالی موفق به پیاده کردن نیت خودش در توقف پخش سریال‌های نمایش خانگی نشده، کسی است که به سبب ضعف و ناکارآمدی در سازمان تحت امرش، یکی از اصلی‌ترین مسببان و مقصران وضعیت کشور در چندماه اخیر است. مدیر سازمانی که اگر به‌موقع دغدغه‌های مردم را بازتاب می‌داد، باعث چرخیدن سرها به‌سمت رسانه‌های بیگانه نمی‌شد، حالا در یک رقابت قدیمی که برای حفظ قلمروها درست شده، می‌خواهد در انتشار این مجموعه‌ها اختلال ایجاد کند. آقای مدیر! شما خودت که بلد نیستی سریال یا کیفیت درست کنی، مدیریت رسانه‌ای را هم طوری انجام نمادی که کار به اینجا نرسد، لااقل در چنین شرایطی دست از این رفتارها بردار و اجازه بده زندگی نرمال مردم روی ریل خودش برگردد.

یک قدم تا ۱۲ میلیون مخاطب در سال سخت

مجتبی اردشیری
خبرنگار

سینمای ایران در فصل پاییز امسال به‌نوعی غافلگیر شد و شرایط اجتماعی این امکان را رقم زد تا سینما طبق حیات طبیعی خود به قله‌های بالاتری از میزان مخاطب و فروش برسد. وضعیت برای پاییز امسال به‌اندازه‌ای نامطلوب شده بود که حتی برخی تخمین می‌زدند این وضعیت برای ماه‌های پایانی سال نیز تکرار خواهد شد و وضع سینما بدتر از شرایط پاییز خواهد شد. اما شاید ناامیدان این موضوع را فراموش کرده بودند که تنیه سینمایی جدید یک‌بار سابقه احیای وضعیت سینما را در کارنامه دارد. زمانی که محمد خزاعی به‌عنوان رئیس سازمان سینمایی روی کار آمد یکی از چالش‌های مهمی که با آن مواجه بود بازگرداندن سینماها به شرایط پیش از کرونا بود. در آن زمان بسیاری از سینماها ترجیح می‌دادند فعالیتی نداشته باشند و صاحبان آثار نیز از نمایش فیلم خود امتناع می‌ورزیدند. در روزگاری که نه صاحبان آثار تمایلی به اکران داشتند و نه سینماها چندان امیدوار به بقا بودند سینمای ایران یک فصل پاییز بسیار خوب را پشت سر گذراند.

طبق آمارهای رسمی سینمای ایران در پاییز سال گذشته، ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار مخاطب داشت و توانست حدود ۷۲ میلیارد تومان بفروشد. حال آنکه تعداد مخاطبان سینما در تابستان همان سال و با وجود اکران چند فیلم جدید تنها ۱۱۶ هزار نفر بود و گیشه نیز فروشی کمتر از ۱۶ میلیارد تومان داشت. جهشی که سینمای ایران در فصل پاییز سال گذشته آغاز کرده بود، در فصل زمستان نیز با همان میزان فروش تداوم یافت و برای بهار و تابستان امسال نیز تکرار شد. برای تابستان امسال حتی یک رکورد جدید خلق شد و طی آن تلاقی ماه‌های محرم و صفر با مرداد و شهریور، نه‌تنها وضع سینماها را دچار رکود نکرد بلکه آماری را محقق ساخت که در دو ماه پایانی تابستان سالیان گذشته که با محرم و صفر در تداخل نبود نیز دیده نشد.

سینمای ایران با این پیشینه نسبتا خوب یک‌ساله دوم فیلم در پاییز ۱۴۰۱ گذاشت؛ فصلی که برنامه‌ریزی‌ها حکایت از تلاش برای تنیه جدید و درنتیجه افزایش تعداد مخاطب و میزان فروش داشتند اما متاسفانه تا آثار‌های اجتماعی همچنان که اقتصاد بسیاری از مشاغل را دستخوش تبعات خود قرار داد، برای سینمای نسخه ویژه‌ای پیچید تا اوضاع هنر هفتم در ایران با دوران کرونا مقایسه شود.

سینمایی که روی پای خود ایستاد

تاآرامی‌های اجتماعی شرایط عجیبی را برای سینمای ایران تعریف کرد. یکی از تبعات این شرایط محدودیت ساعت فعالیت بسیاری از مال‌های تجاری بود و این یعنی آنکه بسیاری از پردیس‌های سینمایی، میزان ساعت فعالیت خود را با اجتیار کاهش دادند. در این شرایط، تبلیغات سوئی هم علیه سینما و هنرمندان به راه افتاد و زمینه را به سمتی برد که صاحبان آثار، تمایلی برای نمایش فیلم خود نداشتند.

در این شرایط سازمان سینمایی که شاید تصور نمی‌کرد تبعات این تاآرامی‌ها تا این اندازه دامن سینما را بگیرد کنترل اوضاع را در دست گرفت و رایزنی‌های گسترده‌ای را با صاحبان فیلم‌های پرمخاطب به انجام رساند. این رایزنی‌ها که با ارائه مشوق‌هایی همراه بود سبب شد تا سینمای ایران ورود خوبی را به فصل زمستان داشته باشد.

۳ فیلم پرمخاطب «بخارست»، «ملاقات خصوصی» و «چپ، راست» در میان ناامیدی بسیاری به روی پرده رفت و توانست مخاطبان بسیاری را به سالن‌های تاریک بکشاند.

اهمیت نمایش این ۳ فیلم که در ادامه با فیلم‌هایی چون «تروناد» و «۲ و یا لتو» شتری ادامه یافت و برای بهار و تابستان امسال حتی تکرار شد، برای تابستان امسال حتی یک رکورد جدید خلق نیز به جا گذاشته شد و طی آن تلاقی ماه‌های محرم و صفر با مرداد و شهریور، نه‌تنها وضع سینماها را دچار رکود نکرد بلکه آماری را محقق ساخت که در دو ماه پایانی تابستان سالیان گذشته که با محرم و صفر در تداخل نبود نیز دیده نشد.

سینمای ایران با این پیشینه نسبتا خوب یک‌ساله دوم فیلم در پاییز ۱۴۰۱ گذاشت؛ فصلی که برنامه‌ریزی‌ها حکایت از تلاش برای تنیه جدید و درنتیجه افزایش تعداد مخاطب و میزان فروش داشتند اما متاسفانه تاآرامی‌های اجتماعی همچنان که اقتصاد بسیاری از مشاغل را دستخوش تبعات خود قرار داد، برای سینمای نسخه ویژه‌ای پیچید تا اوضاع هنر هفتم در ایران با دوران کرونا مقایسه شود.

سینمایی که روی پای خود ایستاد

تاآرامی‌های اجتماعی شرایط عجیبی را برای سینمای ایران تعریف کرد. یکی از تبعات این شرایط محدودیت ساعت فعالیت بسیاری از مال‌های تجاری بود و این یعنی آنکه بسیاری از پردیس‌های سینمایی، میزان ساعت فعالیت خود را با اجتیار کاهش دادند. در این شرایط، تبلیغات سوئی هم علیه سینما و هنرمندان به راه افتاد و زمینه را به سمتی برد که صاحبان آثار، تمایلی برای نمایش فیلم خود نداشتند.

در این شرایط سازمان سینمایی که شاید تصور نمی‌کرد تبعات این تاآرامی‌ها تا این اندازه دامن سینما را بگیرد کنترل اوضاع را در دست گرفت و رایزنی‌های گسترده‌ای را با صاحبان فیلم‌های پرمخاطب به انجام رساند. این رایزنی‌ها که با ارائه مشوق‌هایی همراه بود سبب شد تا سینمای ایران ورود خوبی را به فصل زمستان داشته باشد.

۳ فیلم پرمخاطب «بخارست»، «ملاقات خصوصی» و «چپ، راست» در میان ناامیدی بسیاری به روی پرده رفت و توانست مخاطبان بسیاری را به سالن‌های تاریک بکشاند.

اهمیت نمایش این ۳ فیلم که در ادامه با فیلم‌هایی چون «تروناد» و «۲ و یا لتو» شتری ادامه یافت و برای بهار و تابستان امسال حتی تکرار شد، برای تابستان امسال حتی یک رکورد جدید خلق نیز به جا گذاشته شد و طی آن تلاقی ماه‌های محرم و صفر با مرداد و شهریور، نه‌تنها وضع سینماها را دچار رکود نکرد بلکه آماری را محقق ساخت که در دو ماه پایانی تابستان سالیان گذشته که با محرم و صفر در تداخل نبود نیز دیده نشد.

سینمای ایران با این پیشینه نسبتا خوب یک‌ساله دوم فیلم در پاییز ۱۴۰۱ گذاشت؛ فصلی که برنامه‌ریزی‌ها حکایت از تلاش برای تنیه جدید و درنتیجه افزایش تعداد مخاطب و میزان فروش داشتند اما متاسفانه تاآرامی‌های

۱۲ میلیون مخاطب

سینمای ایران از ابتدای پاییز تا پایان روز گذشته، یعنی در ۱۲۷ روز (بدون احتساب تعطیلات رسمی ناشی از شهادت و تاآرامی‌ها که سینماها تعطیل بودند)، با جذب حدود ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار مخاطب، به فروشی معادل ۹۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان دست یافته است. از این میزان حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار مخاطب آن، متعلق به ۳۷ روز زمستان است که نشان می‌دهد اکران فیلم‌های جدید تا چه اندازه توانسته به افزایش میزان مخاطبان سینما بیتحامد.

البته که در طول این مدت، رکودهای خوبی نیز به جا گذاشته شد. ازجمله آنکه برای نخستین‌بار در طول ۱۳۰ روز اخیر تعداد مخاطبان روزانه به ۸۱ هزار نفر رسید که اگرچه هنوز تا رسیدن به شرایط مطلوب فاصله دارد اما رشد خوبی را در ضریب اشغال سینما و گیشه فروش روزانه نشان می‌دهد. اهمیت این استقبال زمانی بیشتر می‌شود که درمایم در دوران تاآرامی تعداد مخاطبان سینما به‌صورت میانگین، بین ۷ تا ۱۲ هزار نفر در نوسان بود و حالا تاریخی رقم خورده که در خلوت‌ترین روز سینمایی کشور، این تعداد هیچ‌گاه از ۲۶ هزار مخاطب، پایین‌تر نمی‌آید.

مجموعه این آمارها سبب شده تا سینما از ابتدای سال تا امروز، به حدود ۱۲ میلیون مخاطب رسیده و گیشه سینمایی نیز به ۳۶۰ میلیارد تومان نزدیک‌تر شود. این آمار امیدواری‌ها را جمع به گیشه ۵۰۰ میلیاردی امسال را زنده کرده است. سینمایی که اگر با تاآرامی‌های اجتماعی تلاقی پیدا نمی‌کرد در سودای گیشه ۸۰۰ میلیارد تومانی بود حالا اگر بتواند تا پایان سال به ۵۰۰ میلیارد تومان برسد، کار مهم و بزرگی را به انجام رسانده است.

البته که این مسیر با نمایش فیلم‌های جدید تا انتهای امسال و درانداختن طرح‌هایی چون نیم‌بها کردن بلیت سینماها برای ۱۰ روز جشنواره فجر (برای فیلم‌های اکران معمول سینماها) روند رو به رشد بیشتری پیدا خواهد کرد.

جشنواره‌ای پر رونق در انتظار است

با آنکه جریان‌های خاص نهایت تلاش خود را به عمل آورد تا جشنواره امسال راه به تعطیلی کشانده یا با تحریم جمعیت حداکثری از هنرمندان، بزرگ‌ترین رویداد سینمایی کشور را از حیز انتفاع ساقط کنند اما روند استقبال به ترتیبی بود که این فرصت را از آن جریان‌ها گرفت.

همچنین سیاستگذاری‌ها و نقطه‌گذاری‌های مدیریت جدید، شرایط را به نحوی پیش برد که برای اسامی بالا، ۲۰ فیلم بیشتر از سالیان گذشته در بخش سودای سیمرغ معرفی شد که تاثیر روانی بالایی در میان دوستداران جشنواره و مخاطبان آن بر جای گذاشت.

البته که تحریم جشنواره فجر بحث جدیدی نیست که متعلق به امسال باشد. در سالیان گذشته نیز جریان‌های بسیاری تلاش داشتند تا بنا به اتفاقات روز جشنواره را از رونق بیندازند اما نه آنها و نه کرونا نتوانست قطار پرشتاب جشنواره فجر را از حرکت باز نگه دارد. به نحوی که این رویداد در تمامی دوره‌های خود با اقبال بالایی از سوی مخاطبان (مردم)، هنرمندان، اهالی رسانه و منتقدان مواجه بوده است.

اسامی فیلم‌های بخش مسابقه، این نوید را می‌دهد که فیلم‌های خوبی در گونه‌های متنوع حضور دارند. بنابراین کاملا طبیعی است که باید منتظر یک استقبال خوب از جانب همه طرف‌های علاقه‌مند به این رویداد باشیم. این اقبال، به‌شکلی تصادفی پیش نیامده و حاصل ماه‌ها ممارست مدیریت سینمایی است تا در یک سال سخت، اجازه ندهند تا از میزان محبوبیت و استقبال جشنواره کاسته شود.

این نشانه‌گذاری در شرایطی برای جشنواره فجر، با اقبال مواجه خواهد شد که سینمای ایران با یک روحیه بالا، قدم در گود اکران سال ۱۴۰۲ خواهد گذاشت تا در سالی که قرار است سال‌های سینمایی بیشتری به ناوگان سینمایی کشور افزوده شود، اتفاق‌های خوبی در داخل سالن و گیشه سینما به وقوع بپیوندد.

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

چشم هنرمندان موسیقی و تئاتر روشن شد

عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

جشنواره چهل‌ویکم تئاتر فجر از همان ابتدای بهمن‌ماه که کارش را آغاز کرد در معرض انواع حملات رسانه‌ای قرار گرفت. در فضای مجازی با نشان دادن تصاویری از صندلی‌های خالی سعی بر آن داشتند که بگویند از این جشنواره استقبال نشده است. علی رغم فضاسازی‌های مسموم رسانه‌ای در رابطه با خلوت بودن سالن افتتاحیه و تحریم این دوره از جشنواره، واقعیت امر این است که هنرمندان به‌واقع در این دوره همراه جشنواره هستند و در مراسم نیز حضور داشتند، اما انتشار تصاویر پیش از آغاز مراسم به‌عنوان تصاویر مراسم اصلی حواشی بود که نتوانست خدشه‌ای به روند جشنواره وارد کند. استقبال از آثار هم قابل توجه است. در خیلی از سالن‌های تئاتر مردم سرپا می‌ایستند و نمایش‌ها را می‌بینند سالن اصلی هر شب پر است، سالن تالار وحدت هر شب پر است، چهارسو، قشقایی سایر سالن‌های دیگر به شکلی است که مردم روی زمین می‌نشینند، برای مثال استقبال از نمایش «مکبث زار» به کارگردانی ابراهیم پشت کوهی که همه سالن نمایش در تالار وحدت پر بود و برخی هم روی زمین نشسته بودند. این اثر نمایشی کاری از گروه تئاتر «تی‌توک» به سرپرستی پشت کوهی است. پشت کوهی در اجرای «مکبث زار» توانسته است مراسم‌زار را به شیوه‌ای دراماتیک به‌مخاطب عرضه کند و در عین حال بر بستر یک نمایشنامه شناخته شده غربی، تلفیقی از آیین‌ها و شیوه‌های نمایش شرقی را برای مخاطب به نمایش بگذارد.

هنرمندان تئاتر طی دو سال گذشته و به‌خصوص در دوران فراگیری کرونا با مشکلات زیادی همراه بوده‌اند. مشکلاتی که معیشت آنها را به خطر انداخت و بخش مهمی از جامعه هنری تئاتر را درگیر کرد. رونق دوباره صحنه‌های تئاتر می‌تواند بخش رونق اقتصادی در بخش‌های مختلف این حوزه را هنر باشد.

امید به بازگشت کنسرت‌ها و استقبال مردم

در حوزه موسیقی هم دقیقا همین مسائلی که در مورد تئاتر و دیگر بخش‌ها گفته‌ایم حاکم است با این تفاوت که این حوزه کارش سخت‌تر شده است. بخش مهمی از فعالان این حوزه، این روزها احوال خوشی ندارند. ازیک طرف شروع هر کنسرت یا همه‌جای سنگین رسانه‌ای علیه اهالی حوزه موسیقی مواجه می‌شود و از طرف دیگر دستگاه‌های مختلف فرهنگی راهکار مشخصی برای برون‌رفت از چنین وضعیتی ارائه نمی‌کنند. وضعیت تعلیق در صنعت موسیقی، نتیجه‌ای جز این نداشته که همه‌چیز به ضرر بخش پنهان بازار موسیقی باشد. نکته‌ای که محمد معتمدی، خواننده به آن اشاره کرد.

روز پنجشنبه برج میلاد بعد از چندماه، میزبان یک خواننده پاپ بود که با استقبال گسترده هواداران مواجه شد، زانکو که نخستین کنسرتش را در سالن نمایشگاه بین‌المللی تهران برگزار کرد، توانست استقبال خوبی از مخاطبان را کسب کند. او اجرایش را با آهنگ «بوم‌بوم» آغاز کرد. که بسیار در فضای مجازی مشهور شده است. این استقبال می‌تواند نشانه و آغاز نسبتا خوبی باشد تا کنسرت‌های موسیقی آغاز به کار کند و مطمئنا مردم هم از آن استقبال زیادی خواهند داشت. در هفته گذشته گفت‌وگویی را با توتونچیان تهیه‌کننده موسیقی داشتیم که بسیار از اوضاع این روزهای صنعت موسیقی گلامند بود. او گفت: «دوسال‌ونیم با کروناست‌وبچه‌نم کردیم و با بهتر شدن اوضاع، اجراهای ۳۰ درصد و ۵۰ درصد جمعیت را که درآمدزایی نداشتند، برگزار کردیم. این کنسرت‌ها صرفا به‌دلیل این بود که بتوانیم بازگشت هنرمندان حوزه موسیقی را روی صحنه عادی‌سازی کنیم. با از بین بردن ترس ناشی از انتشار ویروس کرونا شرایط به گونه‌ای سوق داده شد تا در ادامه بتوانیم کنسرت‌ها را با صدرصد ظرفیت برگزار کنیم. ولی پس از آن هم در هشتم مردادماه امسال محرم و صفر شروع شد و از آن تاریخ دوباره هیچ فعالیتی نداشتیم، اکنون هم که بیش از ۱۰۰ روز است به‌خاطر شرایط کشور و اعتراضات کسرتی نداریم.

حرف ما این است که کسانی به نام اعتراض به دنبال تعطیلی صنعت موسیقی در کشور هستند. این افراد که در فضای مجازی به هنرمندان موسیقی حمله می‌کنند باید کمی انصاف داشته باشند. خودشان به محل کارشان می‌روند و خیلی بی‌انصافی است که فقر هنرمند متوقف باشد. زمانی که از تعطیلی هنر می‌گوییم باید بدانیم که برای برگزاری یک کنسرت، سوای خواننده و تهیه‌کننده، حداقل ۱۰۰۰ خانواده از این راه ارتزاق می‌کنند.»

توتونچیان همچنین درباره وضعیت معیشتی بسیاری از اهالی موسیقی که اوضاع خوبی ندارند، گفت: «ببینید هر چه هم که شود، تهیه‌کننده، خواننده و سلبریتی آنقدر پس‌انداز دارند که اگر مدتی هم فعالیت نکنند بتوانند از عهده مخارج روزمره زندگی خود دربیایند، اما مساله اصلی مشکلات اقتصادی یک خانواده ۳۰۰۰ نفری است که اراده دیگری برای ارتزاق و بنیه مالی قوی برای اینکه این روزها از پس هزینه‌های هنگفت اخیر بربیایند، ندارند. این آن نقطه تاریکی است که من به آن نقد دارم. اگر شما از هنرمند می‌خواهید برنامه نداشته باشد، بسیاری از عوامل مستقیم و غیرمستقیم آن حرفه و آن صنعت هستند که درصورت ادامه این شرایط دیگر وجود نخواهند داشت. ادامه چنین فرآیندی باعث ضربه به یک صنف، قشر و صنعت در کشور می‌شود.»

روشن شدن دوباره چراغ کنسرت‌ها می‌تواند نویدبخش روزهای بهتری در دنیای موسیقی و اجرای کنسرت‌ها باشد. روزهایی که هم جامعه هنر موسیقی به روزهای عادی بازگردند و هم اینکه بخش مهمی از مردم را به سالن‌های پر رنگ و نور موسیقی بازگردانند.

موتور روش تولید و نمایش جایی بیرون از تلویزیون

کیانا تصدیق‌مقدم
خبرنگار گروه فرهنگ

شبکه نمایش خانگی از اواخر دهه ۸۰ کارش را آغاز کرد. فیلمسازان و بازیگران معروف در این بستر دست به تولید زدند و آثار آنها گاهی در میان مردم مقبولیت داشت و گاهی هم مورد استقبال واقع نمی‌شد. از همان ابتدا هم سریال‌ها به صورت هفتگی منتشر می‌شد. نمی‌توان گفت عملکرد کاملا قابل قبولی داشتند اما به مرور این آثار جای خودشان را میان خانواده‌ها پیدا کردند. در روزهایی که شبکه نمایش خانگی به کمک سخت‌افزارها به دست مخاطب می‌رسید و هنوز دنیای وی‌او‌دی و اینترنت دسترسی را راحت نکرده بود، مخاطبان سریال‌ها باید هر قسمت را به صورت دی‌وی‌دی از مغازه‌ها می‌خریدند. یکی از ویژگی‌هایی که در این پلتفرم‌ها وجود داشت تنوع ژانر و موضوعی بود که باعث می‌شد سلیقه‌های مختلف راضی نگه دارد. اسفندماه ۹۴ از پروژه ملی «سدنه» (سامانه نمایش درخواستی) یا همان وی‌او‌دی‌های ایرانی رونمایی شد. این سامانه در انواع پلتفرم‌ها توانستند مخاطبان زیادی را با خود همراه کنند. رفته‌رفته هرکدام از این بسترها زمینه‌های جذب مخاطب خود را تقویت کردند و به‌ویژه در دوران کرونا به اوج خودشان رسیدند. یکی از ویژگی‌های دیگر این پلتفرم‌ها در سال‌هایی که گذشت، آن بود که دیگر نیازی نبود خانواده‌ها هر هفته دی‌وی‌دی خریداری کنند؛ به جای آن بستری فراهم شد تا مخاطبان بتوانند به‌صورت ماهانه اشتراک هرکدام از پلتفرم‌هایی که می‌خواستند را خریداری کنند و به مدت یک ماه به محتواهای مختلف و نه‌فقط سریال مدنظرشان دسترسی پیدا کنند. این موضوع زمینه‌ای شد تا دسترسی برای کسانی که به فیلم و سریال علاقه داشتند راحت‌تر شود. همچنین در موقعیت‌های مختلف برای اینکه بتوانند مخاطبان‌شان را حفظ کنند بعضی محصولاتشان را رایگان کردند یا تخفیف‌هایی را برای خرید اشتراک در نظر گرفتند. از اینها که بگذریم به مساله مهم‌تری می‌رسیم. آن چیزی که بیشتر اهمیت دارد محتوایی است که این پلتفرم‌ها در اختیار مخاطبان‌شان قرار می‌دهند. اتصال و نزدیکی شبکه نمایش خانگی با فضای مخاطبان‌شان، باعث شد که این پلتفرم‌ها متوجه سلیقه مخاطبان‌شان شوند و سعی کردند بدانند در نظر گرفتن این موضوع دست به تولید بزنند. البته حضور بازیگران و فیلمسازان مشهور هم در جلب رضایت بینندگان بی‌تاثیر نیست. یکی دیگر از قابلیت‌های پلتفرم‌های نمایش خانگی به روز بودنشان است؛ به روز بودن به این معنا که معمولا در هر ماه یا نهایتا دوماه یک‌بار، محتوای جدیدی را برای مخاطبان منتشر می‌کنند. برای مثال در ماهی که گذشت فیلیمو یک سریال جدید، نماوا سه سریال و فیلیمو یک سریال جدید دیگر را منتشر کرد. علاوه بر این‌ها یکی دیگر از قابلیت‌هایی که به تازگی به این پلتفرم‌ها اضافه شده اکران آنلاین فیلم‌های سینمایی است. به تازگی سه فیلم سینمایی به صورت آنلاین اکران شدند.

آنچه می‌خوانید درباره محتواهایی است که طی یک ماه اخیر در پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی منتشر شدند و باعث شده که موتور تولید آثار نمایش در ایران گرم بماند.